

( وَ مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ) الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ تَسْبِقْ لَهُ حَالٌ حَالًا، فَيَكُونُ  
أَوَّلًا قَبْلَ أَنْ يَكُونَ آخِرًا، وَيَكُونُ ظَاهِرًا قَبْلَ أَنْ يَكُونَ بَاطِنًا. كُلُّ مَسْمَى بِالْوَحْدَةِ  
غَيْرُهُ قَلِيلٌ، وَ كُلُّ عَزِيزٍ غَيْرُهُ ذَلِيلٌ، وَ كُلُّ قَوِيٍّ غَيْرُهُ ضَعِيفٌ، وَ كُلُّ مَالِكٍ غَيْرُهُ  
مَمْلُوكٌ، وَ كُلُّ عَالِمٍ غَيْرُهُ مُتَعَلِّمٌ، وَ كُلُّ قَادِرٍ غَيْرُهُ يَقْدِرُ وَ يَعْجِزُ، وَ كُلُّ سَمِيعٍ  
غَيْرُهُ يَصْمُ عَنْ لَطِيفِ الْأَصْوَاتِ وَ يَصْمُهُ كَبِيرُهَا وَ يَذْهَبُ عَنْهُ مَا بَعْدَ مِنْهَا. وَ كُلُّ  
بَصِيرٍ غَيْرُهُ يَعْمَى عَنْ خَفِيِّ الْأَلْوَانِ وَ لَطِيفِ الْأَجْسَامِ، وَ كُلُّ ظَاهِرٍ غَيْرُهُ غَيْرٌ  
بَاطِنٍ، وَ كُلُّ بَاطِنٍ غَيْرُهُ غَيْرٌ ظَاهِرٍ، لَمْ يَخْلُقْ مَا خَلَقَهُ لِتَشْدِيدِ سُلْطَانِهِ، وَ لَا  
تَخَوْفٍ مِنْ عَوَاقِبِ زَمَانٍ، وَ لَا اسْتِعَانَةَ عَلَى نَدِّ مَثَاوِرٍ وَ لَا شَرِيكَ مَكَاثِرٍ، وَ لَا ضِدَّ  
مُنَافِرٍ، وَ لَكِنْ خَلَائِقُ مَرْبُوبُونَ، وَ عِبَادٌ دَاخِرُونَ، لَمْ يَحْلُلْ فِي الْأَشْيَاءِ فَيُقَال: هُوَ  
فِيهَا كَائِنٌ، وَ لَمْ يَنَأَ عَنْهَا فَيُقَال: هُوَ مِنْهَا بَائِنٌ، لَمْ يُوَدِّهِ خَلْقٌ مَا ابْتَدَأَ، وَ لَا تَدَبَّرَهُ مَا  
ذَرَأَ، وَ لَا وَقَفَ بِهِ عَجْزٌ عَمَّا خَلَقَ، وَ لَا وَجَعَتْ عَلَيْهِ شُبْهَةٌ فِيمَا قَضَى وَ قَدَرَ، بَلْ  
قَضَاءٌ مُتَقَنَّ، وَ عِلْمٌ مُحْكَمٌ، وَ أَمْرٌ مُبْرَمٌ، أَلْمَأْمُولُ مَعَ النِّقْمِ، أَلْمَرْهُوبُ مَعَ النِّعَمِ.



## در علم الهی

ستایش خداوندی را سزااست که هیچ صفتی بر صفت دیگرش پیشی نگرفته تا بتوان گفت: پیش از آنکه آخر باشد اول است و قبل از آنکه باطن باشد ظاهر است. هر واحد و تنهایی جز او، اندک است، هر عزیزی جز او ذلیل، و هر نیرومندی جز او ضعیف و ناتوان است، هر مالکی جز او بنده، و هر عالمی جز او دانش آموز است، هر قدرتمندی جز او، گاهی توانا و زمانی ناتوان است، هر شنونده‌ای جز خدا در شنیدن صداهای ضعیف کر و برابر صداهای قوی، ناتوان است و آوازه‌های دور را نمی‌شنود. هر بیننده‌ای جز خدا، از مشاهده رنگهای ناپیدا و اجسام بسیار کوچک ناتوان است، هر ظاهری غیر از او پنهان، و هر پنهانی جز او آشکار است. مخلوقات را برای تقویت فرمانروایی، و یا برای ترس از آینده، یا یاری گرفتن در مبارزه با همتای خود، و یا برای فخر و مباهات شریکان، و یا ستیزه‌جویی مخالفان نیافریده است، بلکه همه، آفریده‌های او هستند و در سایه پرورش او، بندگانی فروتن و فرمانبردارند. خدا در چیزی قرار نگرفته تا بتوان گفت در آن جاست، و دور از پدیده‌ها نیست تا بتوان گفت از آنها جداست. آفرینش موجودات او را در آغاز ناتوان نساخته، و از تدبیر پدیده‌های آفریده‌شده باز نمانده است، نه به خاطر آنچه آفریده قدرتش پایان گرفته و نه در آنچه فرمان داد و مقدر ساخت دچار تردید شد. بلکه فرمانش استوار، و علم او



مستحکم، و کارش بی‌تزلزل است، خدایی که به هنگام بلا و سختی به او  
امیدوار، و در نعمتها از او بیمناکند.